



سرکن

مرثیه‌ای مشدی برای فرزند آوری

به همی سوی چراغ، تا وقتی مویادم میه، تا چند سال پیشا به در و دیوار اتوبوس و مرکز بهداشت مزدن «فرزندکمتر زندگی بهتر». مردم ای شعار همچی باور کردن که فیتیله رکشیدن پایین و از فکر تولیدمثل آمدن بیرون.

قدیما هم یادتان بشه، توی فیلما هم خانواده‌های پول دارر کم بچه نشون مدادن. همیشه هم ای جوری بود که آقای خانه روی تردمیل ورزش میکرد و وقتی با حوله عرق سر و گردنش ر مگرفت، خانوم خانه پش آب پرتقال توی لیوان جامکد و روی میز مذاشت. ای خانواده معمولاً یک بچه داشتن یا نهایت با ارفاق دوتا. یکی شان هم همیشه خارجه درس مخواند.

یک دفعه سیاست عوض رفت. به همی مردمی که مگفتن بچه کمتر زندگی بهتر، مگفتن بچه بیارن وام بیگیرن، بچه خوبه، بچه روزی میره، هرکی دندون مده نون هم مده، ولی دگه فایده نداشت.

شهرآرا توی گزارشی ای جور گفته که «آمارهای ثبت احوال حکایت از آن دارد که در یک دهه گذشته، زاد و ولد در خراسان رضوی ۶/۳۶ درصد کاهش داشته است». ای یعنی چی؟ یعنی ملت بچه نمخن؟! به نظر تان مردمی که پری پیدا کردن خانه و جور کردن پول پیش مشکل درن، ملتی که پول ندرن پری دخترشان جاهاز بیگیرن و پری پسرشان زن، ملتی که هشتشان گرو نهشانه، به فکر بچه میفتن؟ ای دولت فکر نمکنه اول باس زیرساخت و رفاهیات مردم روبه راه بره تا بعد به ملت بگن بچه بیرن؟ جمعیت کشور دره پیر مره درست، ولی ای مردم اول باید خیالشان از خانه زندگی و حقوقشان جمع بشه، بعد یکی دیگه ر به ای دنیا اضاف کنن. دیگه کار از در باغ سبز نشون دادن به مردم گذشته و حالا کم کم کار دره به خط و نشون مرسه. مرضیه وحید دستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت، مگه همی چن وقت پیش نگفته بود «اگر خانواده‌ها فرزند نیابورن، مجبوریم جور دیگری عمل کنیم»؟ هر چند شرق گفته ای نقل قول دُرغ بوده، ولی ملت بهانه پیدا کردن پری جوک ساختن و دست گرفتن. خدایی چطور مخن ملت ر مجبور کنن بچه بیرن، وقتی هر صبح که ورمخزن و از خانه مین بیرون، سرشان از قیمتا سوت مکشه.

مَشْه‌ای جور بره؟! خسرو آبادیان

دمای دلخواه شما چنده؟



خرداد: معاون اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور: دمای اتاق پزشکيان در تابستان ۲۸ درجه است. (خبرآنلاین)

تبر: امروز رئیس جمهور یک کشور دیگر همراه رئیس دفترش آمده بود. از رئیس دفترش پرسیدم دمای دلخواه رئیس جمهور کشور شما چند است؟ گفت ۸۲ درجه فارنهایت. اولش با خودم گفتم پس با این کشور اختلافات جدی خواهیم داشت، اما بعد که در اینترنت جست و جو کردم، دیدم عه! ۸۲ درجه فارنهایت تقریباً همان ۲۸ درجه سانتی گراد خودمان است. این یعنی می شود کلی سند تفاهم امضا کرد.

مرداد: امروز رئیس جمهور اندونزی، شاید هم مالزی، یا شاید هم مالدیو، حالا هرچی، زنگ زد تا با رئیس جمهور صحبت کند. ولی اینقدر گرم صحبت شدن که دما ۲۷ بود شد ۲۹ درجه.

شهریور: رئیس جمهور گفت: اون در دفتر رو باز کن، یک چیزی هم پشت در بذار، بسته نشه تا به کم هوا بیاد. قبل از باز کردن در، دما ۲۹ درجه بود، بعد باز کردن ۲۷ درجه شد.

مهر: انشای پسر را خواندم. دیدم نوشته است می خواهد در آینده رئیس جمهور شود. به اتاقش رفتم. دمای اتاقش ۲۶ درجه بود. خیلی خوش حال شدم، چون فقط دو درجه مانده تا در آینده رئیس جمهور شود.

آذر: امروز رئیس جمهور تا وارد دفتر شد و من را دید، گفت: دو ثانیه اون دماسنجت رو بذار کنار. گذاشتم کنار و در ثانیه سوم آن را برداشتم. رئیس جمهور کلافه شد و نفس عمیقی کشید. به دماسنج نگاه کردم. فکر کنم چون دما ۳۰ درجه بود، کلافه شده بود.

دی: رئیس جمهور دیروز برای یک سفر دوازده استانی به آذربایجان شرقی رفت، ولی چون هواپیما جا نداشت، من را نبرد. امروز گزارش هواشناسی را نگاه کردم، دیدم هوای تبریز هم ۲۸ درجه است. به هواشناسی زنگ زدم و بابت دمای همسان با دمای دفتر از آن ها کلی تشکر کردم.

صفحه ۲

۱۷ خرداد ۱۴۰۴

شماره ۱۴۲

کُخ تو کُخ

منصوره احمدی

تمرین تیم ملی



نتیجه بخش بودن تلاش های همسر ایرانی، سیدورف برای همکاری او با استقلال



لک‌لک‌های مهاجر در روستای «زربار» کردستان



بازدید دیپلمات‌های کشورهای همسایه از ظرفیت‌های گردشگری سلامت مشهد

